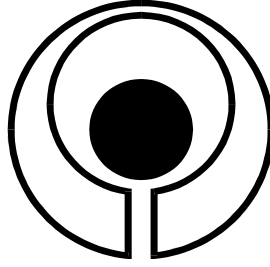


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
گروه آموزشی روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی
پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان :

مقایسه رابطه شیوه فرزند پروری با نظریه ذهن در دانش آموزان کم توان ذهنی و
عادی مدارس ابتدایی شهرستان بابل

نگارنده:

سیدجواد میرحسینی عزیزی

استاد راهنما:

نرگس ادیب سرشکی

استاد مشاور:

دکتر علیرضا محمدی آریا

بهمن ۸۹

شماره ثبت: ۱۵۵-۴۰۰۰



دانشگاه علوم پزشکی اراک

دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی

نایب‌رئیس هیات داوران

پایان نامه: آقای سید جواد میرحسینی عزیزی

به شماره دانشجویی: ۸۷۳۷۰۰۰۲۱ در رشته: روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

مقطع: کارشناسی ارشد

تحت عنوان:

"مقایسه رابطه شیوه فرزندپروری با نظریه ذهن در دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی مدارس ابتدایی شهرستان یابل"

بر اساس مصوبات شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه و با حضور هیات داوران در تاریخ: ۸۹/۱۱/۲۷

دفاع گردید و نمره - ۱۹۱ (نوزده و یک) با امتیاز: عالی به ایشان تعلق گرفت.

هیات داوران

۱. استاد راهنما: سرکار خانم نرگس ادیب سیرشکری

۲. استاد مشاور: (۱) جناب آقای دکتر علیرضا محمدی آریا

۳. مدیر گروه: سرکار خانم دکتر معصومه پور محمدرضای تجربی

۴. اساتید داور: (۱) سرکار خانم دکتر گیتا موللی

(۲) جناب آقای دکتر منوچهر آخوندی

۵. نماینده دفتر تحصیلات تکمیلی:

کنت
با تبریک و آرزوی موفقیت

تعهد نامه چاپ مطالب و مقالات مستخرج از پایان نامه یا رساله های دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

با عنایت به اینکه هر گونه مقاله استخراج شده از پایان نامه یا رساله و یا چاپ و انتشار بخشی یا تمام مطالب آن مبین قسمتی از فعالیتهای علمی- پژوهشی دانشگاه می باشد بنابراین اینجانب **سید جواد میرحسینی عزیزی** دانش آموخته رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی متعهد می شوم که موارد ذیل را کاملاً رعایت نمایم.

۱. در صورت اقدام به چاپ هر مقاله ای از مطالب پایان نامه، خود را بعنوان دانش آموخته دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی معرفی نمایم و درج نام و آدرس محل دیگری خوداری کنم.

۲. در صورت اقدام به چاپ بخشی از یا تمام پایان نامه یا رساله خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به اطلاع "انتشارات" و "دفتر تحصیلات تکمیلی" دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برسانم.

۳. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه یا رساله در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را درج نمایم:

" کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی می باشد که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی به راهنمایی سرکار خانم نرگس ادیب سرشکی و مشاوره جناب آقای دکتر علیرضا محمدی آریبا انجام و در سال ۱۳۸۹ از آن دفاع شده است."

۴. به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک در صد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اهداء نمایم. (دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد).

۵. در صورت عدم رعایت بند ۴، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تادیه می کنم.

۶. قبول می نمایم و تعهد می کنم که در صورت خوداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند. بعلاوه به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی حق می دهم به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه معادل وجه مذکور در بند ۵ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

اینجانب سید جواد میرحسینی عزیزی دانشجوی رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آنرا بدون قید و شرط قبول می نمایم، و به انجام آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی
امضاء و تاریخ
۱۳۸۹/۱۱/۲۷

تقدیم بہ

ہمسر عزیزم

و

دختران نازم

خانہ و سمانہ

«تقدیر و شکر»

باشکر از:

سرکار خانم ادیب سرشکی، به خاطر دقت نظر و راهنمایی‌های ارزنده و ارائه ایده‌های نظری و عملی موثر در تمام مراحل پژوهش.

باشکر از:

جناب آقای دکتر علیرضا محمدی آریا، که با توجه و دقت نظر خویش، در این پژوهش راه‌گشای من بودند.

باسپاس فراوان:

از دوست گرانقدرم جناب آقای مهدی عبدالله زاده رانی که از تشویق‌های ایشان در زمینه کار در حیطه نظریه ذهن برخوردار بودم.

چکیده

عنوان: این تحقیق با هدف بررسی مقایسه رابطه شیوه‌های فرزندپروری با نظریه ذهن در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و عادی دبستانی آموزش و پرورش شهر بابل انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. طرح پژوهش نیز از نوع مطالعات پیش بین است. **جامعه آماری و روش نمونه‌گیری:** جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر و دانش‌آموزان عادی دبستانی آموزش و پرورش شهرستان بابل که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بودند، و مادرانش تشکیل می‌دادند. برای انتخاب نمونه گروه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، از روش تمام شماری استفاده شد و کلیه دانش‌آموزان و مادران آنها پس از اعمال کردن ملاک‌های ورودی، وارد مطالعه شدند که مجموعاً، ۹۰ کودک و مادر بودند. برای انتخاب نمونه گروه دانش‌آموزان عادی، دو مدرسه که در مجاورت مدارس استثنایی قرار داشته و از لحاظ وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شرایط تقریباً یکسانی با مدارس استثنایی بودند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی ساده از درون مدارس، پس از اعمال کردن ملاک‌های ورودی به مطالعه، نمونه‌ای به حجم ۹۰ کودک و مادر انتخاب شدند.

روش اجرا: آزمون نظریه ذهن توسط محقق بر روی کلیه دانش‌آموزان اجرا شد، سپس پرسشنامه شیوه فرزندپروری توسط مادران دانش‌آموزان تکمیل گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری کولموگروف - اسمیرنف، همبستگی پیرسون و اسپیرمن، t مستقل و مان‌ویتنی انجام شد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج یافته‌ها نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه با نظریه ذهن در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و عادی رابطه منفی و بین شیوه‌های فرزند پروری مقتدرانه با نظریه ذهن در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و عادی رابطه مثبت معنا داری وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین بین شیوه‌های فرزندپروری سهل گیرانه با نظریه ذهن در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و عادی رابطه معنا داری وجود ندارد ($p > 0/05$). علاوه بر این دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی علی‌رغم هم‌تاسازی سن عقلی نمرات کمتری در نظریه ذهن نسبت به دانش‌آموزان عادی کسب کردند ($P < 0/05$) و نمرات دانش‌آموزان پسر عادی نیز در نظریه ذهن از دانش‌آموزان دختر عادی بیشتر بود ($P < 0/05$). در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت نتایج این پژوهش با انتظارات رویکرد اجتماعی فرهنگی که برای تعاملات اجتماعی نقش مهمی در تحول نظریه ذهن قایل است، همخوانی دارد. در این رویکرد فرض بر این است که شیوه‌های فرزندپروری بر میزان تعاملات اجتماعی کودک اثر گذاشته و این تعاملات، نظریه ذهن کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به اینکه شیوه‌های فرزندپروری با نظریه ذهن کودکان رابطه دارد، با توصیف خصوصیات این شیوه‌ها برای والدین می‌توان آنها را به سوی تعدیل شیوه‌های فرزندپروری رهنمون کرد.

کلمه‌های کلیدی: نظریه ذهن / کم‌توان ذهنی / شیوه‌های فرزندپروری / دانش‌آموزان دبستانی

فهرست مطالب

فصل اول (کلیات پژوهش)

۱-۱. مقدمه	۲
۱-۲. بیان مسأله	۴
۱-۳. اهمیت و ضرورت مسأله	۷
۱-۴. اهداف پژوهش	۹
الف) هدف کلی:	۹
ب) اهداف اختصاصی:	۹
ج) هدف کاربردی:	۹
۱-۵. فرضیه‌ها و سوال	۹
الف) فرضیه‌ها:	۱۰
ب) سوال:	۱۰
۱-۶. متغیرها	۱۰
۱-۷. تعاریف مفهومی	۱۰
۱-۸. تعاریف عملیاتی	۱۲

فصل دوم (پیشینه پژوهش)

۱-۲. نکات کلی	۱۴
۲-۲. بخش اول: شیوه‌های فرزند پروری	۱۴
۲-۲-۱. خانواده و انواع آن	۱۵
۲-۲-۲. الگوهای فرزند پروری	۱۸
۲-۲-۲-۱. شیوه فرزند پروری مستبدانه	۲۰
۲-۲-۲-۲. شیوه فرزند پروری مقتدرانه	۲۱
۲-۲-۲-۳. شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه	۲۱
۲-۲-۳. نظریه‌های مربوط به شیوه‌های فرزند پروری	۲۲

۲۲ نظریه فرد گرا ۱-۳-۲-۲
۲۲ نظریه رفتار گرایی ۲-۳-۲-۲
۲۳ نظریه یادگیری اجتماعی ۳-۳-۲-۲
۲۳ نظریه شناختی ۴-۳-۲-۲
۲۴ نظریه تعامل گرایی نمادین ۵-۳-۲-۲
۲۴ جایگاه سنی کودکان در خانواده ها ۴-۲-۲
۲۴ نخستین فرزند ۱-۴-۲-۲
۲۵ فرزند دوم ۲-۴-۲-۲
۲۶ فرزند میانه ۳-۴-۲-۲
۲۶ آخرین فرزند ۴-۳-۲-۲
۲۶ رفتار والدین و پیامدهای ناشی از آن ۵-۲-۲
۲۸ بخش دوم: نظریه ذهن ۳-۲
۲۸ تعریف ۱-۳-۲
۳۲ ابعاد نظریه ذهن ۲-۳-۲
۳۵ نظریه‌ها در ارتباط با نظریه ذهن ۳-۳-۲
۳۵ نظریه‌های فرهنگی اجتماعی ۱-۳-۳-۲
۳۷ نظریه نظریه ۲-۳-۳-۲
۳۸ نظریه پیمان‌های ۳-۳-۳-۲
۳۹ نظریه شبیه سازی ۴-۳-۳-۲
۴۰ نظریه ذهن در کم توانان ذهنی ۴-۳-۲
۴۶ بخش سوم: کم توانی ذهنی ۴-۲
۴۶ تعریف ۱-۴-۲
۵۲ طبقه بندی کم توانی ذهنی ۲-۴-۲
۵۳ (الف) طبقه بندی انجمن روانپزشکی آمریکا ۵۳
۵۳ (ب) طبقه بندی سازمان بهداشت جهانی ۵۳

- ج) طبقه‌بندی انجمن کم توان ذهنی امریکا ۵۴
- د) طبقه‌بندی کم توانی ذهنی از دیدگاه متخصصان آموزش و پرورش ۵۴
- ۲-۵. بررسی متون ۵۸
- ۲-۵-۱. پژوهش‌های داخلی ۵۸
- ۲-۵-۲. پژوهش‌های خارجی ۶۰

فصل سوم (روش‌شناسی پژوهش)

- ۳-۱. نکات کلی ۶۶
- ۳-۲. نوع مطالعه ۶۶
- ۳-۳. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری ۶۶
- ۳-۳-۱. جامعه ۶۶
- ۳-۳-۲. نمونه آماری و روش نمونه‌گیری ۶۷
- ۳-۳-۳. ملاکهای ورودی ۶۷
- ۳-۳-۴. ملاک‌های خروجی ۶۷
- ۳-۴. روش جمع‌آوری داده‌ها ۶۸
- ۳-۴-۱. ابزار اندازه‌گیری ۶۸
- ۳-۴-۱-۱. آزمون نظریه ذهن ۶۸
- ۳-۴-۱-۱-۱. نحوه اجرای آزمون ۶۹
- ۳-۴-۱-۲. نحوه نمره‌گذاری ۷۱
- ۳-۴-۱-۳. روایی و پایایی ۷۲
- ۳-۴-۱-۲. پرسشنامه شیوه فرزندپروری ۷۲
- ۳-۴-۱-۲-۱. نحوه اجرای پرسشنامه ۷۳
- ۳-۴-۱-۲-۲. نحوه نمره‌گذاری ۷۳
- ۳-۴-۱-۳-۲. روایی و پایایی ۷۳
- ۳-۵. روش اجرا ۷۴
- ۳-۶. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها ۷۴
- ۳-۷. ملاحظات اخلاقی ۷۵

فصل چهارم (تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها)

۷۷	۱-۴. نکات کلی
۷۷	۲-۴. توصیف داده‌ها
۸۴	۳-۴. استنباط داده‌ها در چهار چوب فرضیه‌ها
۸۵	۱-۳-۴. فرضیه‌ها
۸۸	۲-۳-۴. سوال
۸۹	۴-۴. یافته‌های جانبی

فصل پنجم (بحث و نتیجه‌گیری)

۹۳	۱-۵. نکات کلی
۹۳	۲-۵. بحث و تفسیر یافته‌ها
۹۹	۳-۵. نتیجه‌گیری نهایی
۱۰۰	۴-۵. محدودیت‌ها
۱۰۰	۵-۵. پیشنهادات پژوهش
۱۰۲	منابع
۱۱۳	پیوست‌ها
	چکیده انگلیسی
	عنوان انگلیسی

فهرست جداول

- جدول ۴-۱. فراوانی دانش آموزان بر حسب گروه و جنسیت ۷۷
- جدول ۴-۲. شاخص های آماری سن دانش آموزان بر حسب گروه و جنسیت ۷۸
- جدول ۴-۳. شاخص های آماری سن عقلی دانش آموزان بر حسب گروه و جنسیت ۷۹
- جدول ۴-۴. شاخص های آماری سن والدین دانش آموزان بر حسب گروه و جنسیت ۷۹
- جدول ۴-۵. شاخص های آماری میزان تحصیلات پدر دانش آموزان بر حسب گروه ۸۰
- جدول ۴-۶. شاخص های آماری میزان تحصیلات مادر دانش آموزان بر حسب گروه ۸۲
- جدول ۴-۷. شاخص های آماری شیوه فرزند پروری مادران دانش آموزان ۸۳
- جدول ۴-۸. بررسی نرمالیده متغیرهای پیوسته پژوهش در دو گروه دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی ۸۴
- جدول ۴-۹. بررسی رابطه شیوه فرزند پروری مستبدانه با نظریه ذهن دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی ۸۵
- جدول ۴-۱۰. بررسی رابطه شیوه فرزند پروری مقتدارنه با نظریه ذهن دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی .. ۸۶
- جدول ۴-۱۱. بررسی رابطه شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با نظریه ذهن دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی ۸۷
- جدول ۴-۱۲. مقایسه نظریه ذهن دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی با توجه به جنسیت ۸۸
- جدول ۴-۱۳. بررسی رابطه سن با نظریه ذهن در دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی ۸۹
- جدول ۴-۱۴. بررسی رابطه سن عقلی با نظریه ذهن در دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی ۹۰
- جدول ۴-۱۵. بررسی رابطه تعداد خواهر و برادر با نظریه ذهن در دانش آموزان کم توان ذهنی و عادی ۹۱

فهرست نمودارها

- نمودار ۴-۱. فراوانی دانش آموزان بر حسب گروه و جنسیت ۷۸
- نمودار ۴-۲. درصد میزان تحصیلات پدر دانش آموزان بر حسب گروه ۸۱
- نمودار ۴-۳. درصد میزان تحصیلات مادر دانش آموزان بر حسب گروه ۸۳

فصل اول

(کلیات پژوهش)

۱-۱. مقدمه

پژوهش‌های مربوط به رشد شناختی کودکان در دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. در چند دهه اخیر توجه پژوهشگران به جنبه بسیار مهمی از رشد شناختی کودکان یعنی شناخت اجتماعی^۱ جلب شده است (ادب، ۱۳۸۴). شناخت اجتماعی شامل مهارت‌هایی می‌شود که کودکان برای اینکه تمایلات، هیجانات و احساسات همسالان و بزرگسالان را درک کنند، به آن نیاز دارند (سبولاً^۲ و ویشارت^۳، ۲۰۰۸). آن شامل چندین سازه می‌شود که نظریه ذهن^۴ از مهمترین سازه‌های آن است (گرادی^۵، ۲۰۰۲ به نقل از قمرانی، البرزی و خیر، ۱۳۸۵).

نظریه ذهن اصطلاحی است که به توانایی پیش بینی و شرح دادن رفتار با رجوع به حالات ذهنی^۶ اشاره دارد (رپاچولی^۷، ۲۰۰۳ به نقل از سیمونز^۸، ۲۰۰۴) و به بدنه منسجم دانش در مورد ذهن انسان که ما به طور عادی آن را کسب می‌کنیم و برای پیش بینی و شرح دادن رفتار خودمان و دیگران از آن استفاده می‌کنیم، گفته می‌شود (استینگتون^۹، ۱۹۹۸ به نقل از ابدوتو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۴). برخی از پژوهشگرانی که این توانایی کودکان را بررسی می‌کنند ترجیح می‌دهند جای این اصطلاح، از اصطلاحات دیگری مانند ذهنی سازی^{۱۱}، ذهن خوانی^{۱۲}، روان‌شناسی عامه^{۱۳} و درک اجتماعی^{۱۴} (بارون-کوهن^{۱۵}، ۱۹۹۸) و استفاده کنند. با اینکه

-
1. social cognition
 2. Cebula.K
 3. Wishart,J
 4. theory of mind
 5. Grady, C
 6. mental states
 7. Repacholi, B
 8. Symons, D
 9. Astington, J
 10. Abbeduto, L
 11. mentalizing
 12. mind reading
 13. folk psychology
 14. social understanding
 15. Baron-Cohen, S

اصطلاح نظریه ذهن برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ بوسیله پریماک^۱ و وودروف^۲ در مطالعه رفتار شمیمانه ها مطرح شده است (کال^۳ و تومازلو^۴، ۲۰۰۸)، اما از نظر تاریخی سه دیدگاه عمده، دانش کودکان در مورد ذهن را مورد پژوهش قرار داده‌اند. اولین دیدگاه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به کارهای پیاژه^۵ بر می‌گردد. علاقه به تحول درک پدیده‌های ذهنی توسط کودک از سوی پیاژه (۱۹۶۹ به نقل از مشهدی و محسنی، ۱۳۸۵) با به کار بردن آزمون سه کوه مورد پژوهش قرار گرفته است. پیاژه معتقد بود کودکان به خاطر خودمیان بین بودنشان، در درک دیدگاه دیگران مشکل دارند (کارپندال^۶ و همکاران، ۲۰۰۸). دیدگاه دوم که از سال‌های آغازین دهه ۱۹۷۰ شروع شده است، فراشناخت در کودکان را مورد مطالعه قرار داده است و سومین دیدگاه نظریه ذهن است که از ۱۹۸۰ شروع شده است (فلاول^۷، ۱۹۹۹).

تفاوت‌های فردی در تحول نظریه ذهن کودکان مشاهده می‌شود؛ این تفاوت‌ها را به دو حوزه شناختی و اجتماعی ربط می‌دهند (سیمونز، ۲۰۰۴). حوزه شناختی به خود فرد برگشته ولی حوزه اجتماعی به محیط و عوامل محیطی مانند خانواده بر می‌گردد. از عواملی که به محیط خانواده بر می‌گردند و با تحول نظریه ذهن کودکان مرتبط‌اند، می‌توان به تعداد فرزندان (مک آلیستر^۸ و پترسون^۹، ۲۰۰۷؛ لويس^{۱۰} و همکاران، ۱۹۹۶) و شیوه فرزندپروری والدین (پیرس^{۱۱}، موسس^{۱۲}، ۲۰۰۳؛ گاجاردو^{۱۳}، سنیدر^{۱۴} و پیترسن^{۱۵}، ۲۰۰۸) اشاره کرد.

-
1. Perimak, D
 2. Woodruff, G
 3. Call, J
 4. Tomasello, M
 5. Piaget, J
 6. Carpendale, J
 7. Flavell, J
 8. McAlister, A
 9. Peterson, C
 10. Lewis, C
 11. Pears, K
 12. Moses, L
 13. Guajado, N
 14. Snsder, G
 15. Petersen, R

شیوه‌های فرزندپروری عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارهای به هم پیوسته که تعامل والد - کودک را روی طیف خاصی نشان می‌دهد و تعامل فراگیر را ایجاد می‌کند (مایز^۱ و پتیت^۲، ۱۹۹۷؛ نقل از علیزاده و آندریس^۳، ۲۰۰۲). بامریند^۴ (۱۶۹۷) در دهه ۱۹۶۰ بین سه شیوه تربیتی یعنی شیوه‌های استبدادی^۵، مقتدرانه^۶ و سهل‌گیر^۷ تمایز قایل شد. والدینی که از سبک تربیتی مقتدرانه استفاده می‌کنند از کودکان‌شان با عشق و عاطفه حمایت می‌کنند، به علاوه برای انجام رفتار مناسب و درست قوانین واضح و مشخص وجود دارد. والدینی که از شیوه فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کنند یک رویکرد تنبیهی را برای تربیت کردن اتخاذ می‌کنند که بیشتر شامل تهدید کردن، نکوهش کردن است؛ و یک جانبه قوانین و دستورات را اعمال می‌کنند. همچنین والدینی که شیوه فرزندپروری مستبدانه دارند معمولاً حمایت‌های عاطفی و مهرورزی را برای کودکان‌شان فراهم نمی‌کنند. سرانجام والدینی که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه دارند، معمولاً دستورهای متناقضی را اعمال می‌کنند (دهارت^۸ و پیل‌هام^۹، تن‌نین^{۱۰}، ۲۰۰۶).

۱-۲. بیان مسأله

یک سوال اساسی در روانشناسی تحولی این است که «کودکان چگونه حالات ذهنی خودشان و دیگران را درک می‌کنند و چه عواملی به تحول این توانایی کمک می‌کنند» (سیمونز، ۲۰۰۴). چندین رویکرد تلاش کردند تا بدین سوال پاسخ گویند. در رویکرد «نظریه نظریه^{۱۱}» عقیده بر این است که بلوغ فرایندهای ضروری برای تحول نظریه ذهن کودکان لازم است؛ به همین خاطر اکثر کودکان پنج ساله

-
1. Mize, A
 2. Pettit, G.
 3. Andries.C
 - 4..Baumrind
 5. authoritarian
 - 6..authoritative
 - 7.permissive
 8. Dehart, T
 9. Plham, B
 - 10 .Tennen, H
 11. theory theory

قادرند تکالیف باور غلط را پاسخ گویند در حالی که کودکان سه ساله نمی‌توانند از عهده این تکالیف برآیند (امین یزدی، ۱۳۸۳). در رویکرد «پیمانه‌ای»^۱ بر رشد توانایی‌های عمومی مانند پردازش اطلاعات، به عنوان منشاء اصلی تحول نظریه ذهن تأکید دارند (زیگلر^۲ و آلیبالی^۳، ۱۳۸۶). یکی دیگر از رویکردهایی است که در حال حاضر جهت توضیح چگونگی تحول نظریه ذهن کودکان مطرح شده است، بر پایه دیدگاه ویگوتسکی که تعاملات اجتماعی را در رشد شناختی مهم می‌داند، بنا شده است. در این رویکرد عقیده بر این است که تعاملات زمینه‌ای را برای کودکان فراهم می‌کند که در مورد احساسات، افکار، باورها و چگونگی صحبت در مورد این حالات ذهنی یاد بگیرند (گاجاردو و واتسون^۴، ۲۰۰۲). همچنین این تعاملات منجر به فهم خود و دیگران^۵ می‌شود (سیمونز، فوسام^۶ و کولینز^۷، ۲۰۰۶). پژوهشگران به دو صورت نقش تعامل اجتماعی^۸ در تحول نظریه ذهن را بررسی کرده‌اند. یکی در کودکانی که به دلایلی به خوبی قادر به تعامل برقرار کردن با دیگران نیستند، مانند کودکان اوتیسم، نابینا و ناشنوا (کودکان غیرعادی^۹) و دیگری در کودکان عادی^{۱۰}. نقص نظریه ذهن در کودکان اوتیسم در پژوهش‌های زیادی مشخص شده است (بارون-کوهن، لزلی^{۱۱} و فریث^{۱۲}، ۱۹۸۵؛ ماسون^{۱۳} و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین مشخص شده است که، کودکان ناشنوایی که والدین شنوا دارند (پیترسون، ولمن^{۱۴} و لیو^{۱۵}، ۲۰۰۵) و کودکان نابینا (پیترسون، پیترسون و

-
1. modular
 2. Zigler, R
 3. Alibali, M
 4. Watson, A
 5. self and others understanding
 6. Fossum, K
 7. Collins, T
 8. social interaction
 9. atypical
 10. typical
 11. Leslie, A
 12. Frith, U
 13. Mason, R
 14. Wellman, H
 15. Liu, D

وب^۱، (۲۰۰۰) در تحول نظریه ذهن تأخیر دارند؛ نقص و تأخیر این کودکان در نظریه ذهن را به مشکلات آنها آنها در برقراری ارتباط با دیگران (تعامل اجتماعی) ربط داده‌اند. علاوه بر این، پژوهشگران در بررسی‌هایی با کودکان عادی داشته‌اند، نشان دادند که گفتگوهای والدین با کودکان در مورد حالات ذهنی، با تحول نظریه ذهن کودک رابطه مثبت دارد (لبونتی^۲ و همکاران، ۲۰۰۸؛ رافمن^۳، اسلاد^۴، دِوایت^۵ و کرووی^۶، ۲۰۰۶). مخصوصاً اگر والدین در هنگام صحبت با کودکان از بسط دادن^۷ استفاده کنند (آنتای^۸ و تامپسون^۹، ۲۰۰۸). همچنین بین نظریه ذهن و تعداد خواهر(ان) و برادر(ان)^{۱۰} رابطه یافته‌اند (مک آلیستر^{۱۱} و پیترسون^{۱۲}، ۲۰۰۷). مشخص شده کودکانی که خواهر و برادر دارند در مقایسه با کودکانی که خواهر و برادر ندارند، نمرات بیشتری در نظریه ذهن کسب می‌کنند (رافمن و همکاران، ۱۹۹۹). شیوه فرزندپروری نیز مورد بررسی قرار گرفته است؛ ولی نتایج آن همسو نیست. در مطالعه‌ای که رافمن، اسلاد، دِوایت و کرووی (۲۰۰۶) انجام دادند، رابطه‌ی معناداری بین شیوه فرزند پروری والدین با نظریه ذهن کودک نیافتند. اگرچه بیشتر مطالعات بین این دو متغیر رابطه معنادار یافته‌اند (پیرس، موسس، ۲۰۰۳؛ گاجاردو، سنیدر و پیترسن، ۲۰۰۸؛ ویندن^{۱۳}، ۲۰۰۱).

همانگونه که در بالا ذکر شد در زمینه رابطه شیوه فرزندپروری با نظریه ذهن کودکان عادی نتایج ضد و نقیض است، همچنین رابطه این دو متغیر در کودکان کم توان ذهنی تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است،

-
1. Webb, J
 2. LaBounty, J
 3. Ruffman, T
 4. Slade, S
 5. Devitt, K
 6. Crowe, E
 7. elaboration
 8. Ontai, L
 9. Thomposn, A
 10. sibling
 11. McAlister, A
 12. Peterson, C
 13. Vinden, P

بنابراین سوالی که اینجا مطرح می شود این است که رابطه شیوه فرزندپروری با نظریه ذهن در کودکان کم توان ذهنی و عادی چگونه است؟

۱-۳. اهمیت و ضرورت مسأله

کودکان کم توان ذهنی^۱ به داشتن مشکلاتی در رفتار سازشی^۲ خود مشهورند. در حقیقت به فردی کم توان ذهنی اطلاق می شود که هوشبهر وی که با تست های هوش سنجیده می شود، دو انحراف معیار پایین تر از متوسط بوده و حداقل در دو حوزه از مهارت های رفتار سازشی مانند برقراری تعاملات، زندگی روزمره و ... مشکل داشته باشد و این مشکل قبل از سن ۱۸ سالگی پدیدار شده باشد (ادیب، ۱۳۸۰). همان گونه که در تعریف عقب ماندگی ذهنی قابل مشاهده است، این کودکان در برقراری تعاملات مشکلاتی دارند (سمرود - کلیکمن^۳، ۲۰۰۷). از تعریف نظریه ذهن چنین استنباط می شود: «آن یک توانایی حیاتی برای برقراری تعامل با دیگران است (یاگمورلو^۴ و برومنت^۵ و سلیملی^۶، ۲۰۰۵)؛ و یک توانایی منحصر به فرد است که برای عملکرد اجتماعی و فرهنگی ضروری تلقی شده است (کوکلی^۷، ۲۰۰۹). ممکن است مشابه به کودکان اوتیسم که نداشتن تعاملاتشان را به نقص نظریه ذهن ربط می دهند (بارون-کوهن و همکاران، ۱۹۸۵)، مشکلات کودکان کم توان ذهنی در برقراری تعاملات ناشی از نقص آنها در نظریه ذهن شان باشد (ابدوتو و همکاران، ۲۰۰۴). کمبود تعاملات نباید دست کم گرفته شود؛ زیرا پژوهش های گذشته نشان داده اند که رابطه مستقیمی بین مشکلات در برقراری تعامل با دیگران و مشکلات روانشناختی وجود دارد (سمرود -

-
1. intellectual disability
 2. adaptive behavior
 3. Semrud-Clikeman, M
 4. Yagmurlu B
 5. Berument S K
 6. Celimli S
 7. Cokely, E T